انترناسیونال 809

آرش دشتی

**سیل و زلزله: خانه خرابی برای مردم، سود برای دزدان حاکم**

چند روز پس از فروکش کردن سیلاب ها، روحانی و اطرافیان دولتی اش راهی مناطق سیلزده شدند تا عکس های سلفی بگیرند و در آلبوم افتخارات و رزومه ی کاری خود داشته باشند. همزمان با سفر روحانی به استان سیلزده ی گلستان، جعفری فرمانده ی سپاه و رحمانی وزیر کشور و فتاح رییس کمیته امداد و تنی چند از بانکداران هم حضور پیدا کردند تا وانمود کنند که درکنار مردم آسیب دیده هستند!

روحانی و تیم حکومتی، همیشه زمانی مناطق زلزله زده و سیلزده سفر می کنند که مردم با چنگ و دندان از زندگی برباد رفته شان دفاع می کنند. روحانی اینبار نیز یک مشت وعده ‌و وعید تحویل مردم داد و گفت که بازسازی به زودی شروع می شود و طولی نمی کشد که شهرها به حالت اول بر می گردد!

روحانی همین دروغ ها را ۱۵ ماه قبل تحویل زلزله زدگان سرپل ذهاب داده بود و امسال کانکس های سرپل ذهاب را سیل نوروزی فراگرفت.

همراهان روحانی که بعضی هایشان از مدیران بانک ها بودند، به مردم وعده وام دادند، یعنی در حقیقت آمده بودند که برای بانک های ورشکسته شان بازاریابی کنند. در حالی که وزارت مسکن، بنیاد مسکن و وزارت نیرو و کشاورزی و سازمان جنگل ها و مراتع( به خاطر دخالتی که در جاری شدن سیل دارند) موظفند خسارات وارده را بپردازند.

حاکمیت برای تحقق برنامه های تروریستی و دخالتگرانه اش، در سوریه و عراق و لبنان و بعضی کشورهای آفریقایی خانه و بیمارستان و جاده می سازد، اما به سیلزده ها و زلزله زده ها، وعده وام می دهد.

کمیته ی امداد خمینی، به زنان شوی از دست داده ی عراقی در جنگ، مقرری و مستمری می پردازد ولی به سیل زده ها که می رسد، وام می دهد.

سیل و زلزله برای مردم خانه خرابی و برای دزدان حاکم، سود می آورد.\*

**میوه ی تلخ درخت اصلاح طلبی**

در این نوشتار کوتاه می خواهم به مساله ای بپردازم که بیش از دو دهه است فضای سیاسی جامعه را در گیرودار هیاهوی انتخابات فرا میگیرد. این گفتمان پوچ نیروهای موسوم به دوم خرداد و اصلاح طلبان در فضای سیاستزده ‌پراکنده اند و تا کنون هم بر آن پا می فشارند. هر چند که خیزش انقلابی مردم در دی ماه ۹۶ به طرز قاطعانه ای مهر ابطال بر این گفتمان زد. گفتمان « انتخاب بین بد و بدتر»!

استدلال کسانی که به سناریوی « بد و بدتر» باور داشتند و در همین مضحکه ی قبلی نیز تکرار شد، این بود که اگر به روحانی رای ندهیم، رییسی روی کار خواهد آمد و داغ و درفش و دار را بر پا خواهد کرد، و خلاصه روحانی سر کار آمد و جامعه از بلیه ای به نام رییسی- قصاب دهه ی ۶۰- دور شد!

اما امروز همان کاندیدای بدتر، با ردای قاضی القضاتی برگشت و بر مسند قوه ی قضاییه نشست.

خامنه ای عادت دارد هرگاه که اشخاص مورد اعتمادش با اقبال روبرو نمی شوند، با تمهیدات ویژه ی خودش، آن ها را به مناصب حساس و حتی مهم تر از پستی که در آن رای نیاورده اند، بگمارد.

این اتفاق چند بار باید تکرار شود تا درستی گفتمان نیروهای انقلابی و کمونیست و از جمله تحلیل سیاسی درست حزب کمونیست کارگری ایران در مورد پروژه ی انفعالی « انتخاب بین بد و بدتر» به اثبات برسد؟!

نمونه های دیگری از این شیوه ی بهره برداری خامنه ای از شکست خوردگان در پست های حساس وجود دارد که یکی از آن ها انتصاب علی لاریجانی به ریاست رادیو و تلویزیون بود. علی لاریجانی، سال ها قبل دو دوره در شهر زادگاه پدری اش، در یکی از شهرهای کوچک شمال، کاندیدای نمایندگی مجلس شده بود و در هر دوره، با تو دهنی سختی از طرف رای دهندگان مواجه شده بود، تا اینکه خامنه ای او را در راس صدا و سیما گماشت.

جالب این است که هنوز هم برخی از اصلاح طلبان ورشکسته، سنگ "انتخاب بین بد و بدتر" را به سینه می زنند، غافل از اینکه دیگر جامعه ایران از این توهم عبور کرده است و بزیر کشیدن کل رژیم، هدف اصلی جنبش سرنگونی طلبی مردم میباشد!\*

**سال98، سالی که بساط رژیم می تواند برچیده شود!**

سال هاست که خامنه ای در لحظه ی تحویل سال، زبان به نامگذاری سال می گشاید، مانند "سال اقتصادمقاومتی" و یا "سال حمایت از کالای ایرانی" و امثال این ها. از فردای روز نامگذاری، میلیاردها تومان از جیب مردم خرج می کنند تا بنزها و تابلوهای تبلیغاتی این نامگذاری را آماده و بر در و دیوار های شهرها،‌ معابر و میادین بیاویزند. سربرگ های ‌کاغذ های وزارتخانه ها و ادارات دولتی را با این جمله چاپ می کنند. ولی این نامگذاری ‌پس از یکی دو هفته به فراموشی سپرده می شو‌د.

این کار کلیشه ای هر سال به چه دلیل صورت می گیرد؟

اول آنکه، خامنه ای می خواهد نشان بدهد که اختیار سال و ماه و حتی اسم و‌ رسم زمان، در دست اوست. گویا سال ‌و ماه، با نظق اوست که رسمیت پیدا می کند! خوی دیکتاتوری اقتضا می کند که اینگونه بیان شود که تمام امور با فرمان و امر مطاع ملوکانه! رتق وفتق می شود.

دوم آنکه، خامنه ای می خواهد نشان دهد که فکر و ذکرش پیش مصالح کشور است! یعنی اگر او به فکر حمایت از کالاهای تولید داخل کشور نباشد، مصرف کنندگان کالاهای ایرانی را نمی خرند!

سوم آنکه، فقط خامنه ای است که گره گاه ها ‌و مشکلات را می فهمد و گیر و گره های کور مملکت فقط به دست او گشوده می شود!

همه ی این ها برای آن است که بگویند خامنه ای رهبری فرزانه! ایست.

در تمام سال هایی که خامنه ای دست به نامگذاری های بی مسما زده است، اتفاقا خواسته است افتضاحات مدیریت کلان جامعه را ماستمالی کند و بر روی خرابی ها ماله بکشد. مثلا وقتی کارشناسانش به او گزارش داده اند که کارگران و مزدبگیران زیر بار مزد های چندین برابر زیر خط فقر نمی روند و مردم می خواهند که از زندگی شایسته ی انسانی برخوردار باشند و هرگز باور نمی کنند که ثروت و نعمت وجود ندارد، نام آن سال را سال « اقتصاد مقاومتی» گذاشت تا بتوانند مردم را به ریاضت بکشانند.

همینطور است نامگذاری امسال ( سال ۹۸)به سال « رونق تولید»!.

کدام رونق؟ کدام تولید؟

وقتی بیش از ۷۰ درصد کارخانجات به تعطیلی کشانده شده اند و مافیای واردات که عمدتا از سپاه و اطلاعات هستند، با تعطیل شدن تولیدات داخلی و رو آوردن به واردات به سودهای نجومی می رسند، تولیدی نمانده است. بر این مدیریت فشل و کاسب پیشه، حرف زدن از « رونق» به جوک شبیه است.

تجربه ی بیست سال نامگذاری هر سال، نشان می‌دهد که خامنه ای با نامگذاری امسال، در حقیقت فاتحه ی تتمه ی تولید بی رمق داخلی را نیز خوانده است.